

فرهینچتمان

شرایط حساس کشور، تعارف‌بردار نیست و به همین خاطر است که سران حکمرانی بر کمک به دولت و اجتناب از اختلاف‌افکنی ها و حاشیه‌سازی‌ها به منظور عبور از بحران‌ها تأکید دارند؛ اما در این میان بخشی از رسانه‌های اصلاح‌طلب به‌نوعی خلاف این جریان عمل می‌کنند، نه تنها راه را برای همراهی و همکاری سرران قوا هموار نمی‌کنند؛ بلکه با طرح ابهامات و شبانه‌یه‌های مثالی آنکه مجلس به دنبال حذف دولت است، حاشیه‌سازی را به نوعی ادامه می‌دهند که اثر مستقیمی برعملکرد دولت می‌گذارد. برگزاری نشست خبری رئیس مجلس، نقطه شروع برخی از این حاشیه‌سازی‌ها بود. برخی از رسانه‌های موسوم به جناح اصلاح‌طلبی، صحبت‌های رئیس مجلس در مورد آنکه بهتر است دولت خود دست به ترمیم کابینه بزند را با برداشتی غرض‌ورزانه تحلیل کردند. برخی از این استدلال بیش از آنکه پایی در واقعیت داشته باشد از عصبانیت طیفی از حامیان دولت حکایت داشت؛ چراکه مبنای آنان این بود که با ترمیم دولت از روش استیضاح، بار این ترمیم روی دوش مجلس خواهد افتاد و آن‌ها با ژسـت مظلوم‌نمایی فشار سیاسی به دولت را شروع خواهند کرد. فارغ از آنکه چقدر این استدلال‌ها و هجـمه‌های رسانه‌ای ناشی از استدلال و دلایل واقعی است؛ اما به‌نظر می‌رسد منتقدان که با ظاهر نگرانی برای دولت وارد شدند، به این سؤال پاسخ ندادند که طرح این انتقادات و حتی اثبات آن به نفع دولت و در راستای تقویت دولت عمل خواهد کرد یا نتیجه عکس خواهد داشت؟

علیه قطبی‌سازی‌های بی‌مورد

همه آنچه رئیس مجلس در نشست خبری‌اش در مورد لزوم ترمیم کابینه طرح کرد، حول این محور بود که مجلس و دولت چهاردهم با همان فرمانی که مجلس یازدهم با دولت سیزدهم رفت، جلو بروند و بدون کمترین هزینه‌سازی و جنگال در فضای سیاسی، تغییرات در کابینه اتفاق بیفتند تا هم زمان برای شروع فعالیت وزیر به صـرفه‌تر شود هم دولت و مجلس این مسیر را در نهایت هماگرایی و هماهنگی پیش ببرند. روح حاکم بر صحبت‌های رئیس مجلس، مبتنی بر کمک به دولت برای حل مشکلات اداره کشور در شرایط پرچالش کنونی است؛ اما به‌نظر می‌رسد، برخی جریانات و چهره‌هایی که در ظاهر حامی دولت هستند، به‌جای درک اصل این پیمان و اثرات مثبت آن برای مجلس و دولت، برداشت دیگری را طـرح می‌کنند. در این مدت هر زمان که صحبت از لزوم ترمیم کابینه به میان می‌آید، این بدنه درخواست‌های استیضاح وزرا را علم می‌کرد به این معنی که جریان سوپر انقلابی به دنبال فشار بر دولت است و برخلاف شعار وفاق عمل می‌کند. اما اگر این ترمیم توسط دولت اتفاق بیفتد عملاً دیگر بهانه‌ای برای دوقطبی‌سازی و ایجاد اختلاف میان دولت و مجلس باقی نخواهد گذاشت و سیاسی‌کاران هم نمی‌توانند با یک تیر، دو نشان

برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب با فرضیه‌های خیالی می‌خواهند روابط قوای سه‌گانه را خراب کنند

روایای به‌هم‌ریختن رئیس‌جمهور

بزنند و هم برخی وزرای ناکارآمد را حذف کنند، هم هزینه این تصمیم را به گردن مجلس و فرایند استیضاح بیندازند. رئیس مجلس اما بر محور وفاق به این گزاره تأکید کرد که ترجیح این است که مجلس و دولت با گفت‌وگواین مسئله را حل کنند و البته تأکید کرد که استیضاح حق وزراست و هر زمان لازم باشد از آن استفاده خواهند کرد. در واقعیت رئیس مجلس احتمال استیضاح را هم رد نکرد. این موضع‌گیری فارغ از آنکه توسط چه کسی و چگونه طرح می‌شود، در نگاهی کلان به نفع فضای سیاسی کشور عمل می‌کند؛ چراکه تا جای ممکن با حاشیه‌سازی فاصله‌گذاری و در عین حال که دولت را از انفعال در برخی وزارتخانه‌ها نجات می‌دهد.

حاشیه‌سازی به نفع دولت، عمل می‌کند؟

درست فردای روز برگزاری نشست خبری، برخی رسانه‌های موسوم به جناح اصلاح‌طلبی هجـمه‌ها را شروع کردند. از آنجا که موضع روشن مجلس در مورد استیضاح‌ها بیان شد، برخی از آن‌ها استدلال‌های طرح شده در نشست خبری را این‌طور تحلیل کردند که مجلس به دنبال برکناری وزرا و استقرار گزینه‌های مدنظر خودش است و تلاش مجلس برای همراهی و کمک به دولت را به سهم خواهی و اعمال نفوذ در دولت تقلیل دادند. این انتقادها تنها به همینجا محدود نماند، منتقدان اظهارات طرح شده در نشست خبری را حاوی انگیزه‌های انتخاباتی دانستند تا آنجا که یکی از رسانه‌ها با تیتـر «روای هاشمی شدن» به این استدلال‌ها واکنش نشان داد. زدن پرسجب انگیزه‌های انتخاباتی، ساده‌ترین اقدامی است که می‌تواند تلاش‌های سیاستمداران را زیر سؤال ببرد و آن را از حیز انتفاع ساقط کند. منتقدان حتی استدلال درستی درخصوص اینکه معتقدند رئیس مجلس انگیزه‌های انتخاباتی دارد هم طرح نمی‌کنند و تنها به بیان اینـ گزاره اکتفا می‌کنند که رئیس مجلس به دنبال قرار دادن گزینه‌های مدنظر خود در دولت است و مدعی شده که «سهم مجلس در نقصان و ناکارآمدی‌های کشور بیش از دولت است» و مدعی شده مجلس به دنبال زمین زدن دولت است. فارغ از آنکه این استدلال چقدر پای در واقعیت و شرایط کنونی دارد، سؤال اساسی این است که طرح چنین موضوعاتی چقدر به نفع دولت خواهد بود؟ و در نگاهی کلان‌تر به نفع فضای سیاسی کشور عمل خواهد کرد؟ اگر فرض را براین بگذاریم که آنچه رسانه‌های موسوم به جریان اصلاح‌طلبی طرح می‌کنند برای عموم باورپذیر به‌نظر برسد و این گزاره را تکرار کنند که مجلس با انگیزه‌های سیاسی پیش می‌رود و رئیس مجلس هم به دنبال جایگزین کردن گزینه‌های مدنظر خود در کابینه است، آیا ایـسن اقدام به تقویت دولت و خروج از انفعال دولت کمک می‌کند؟

دوستی‌های خاله خرسه دولت

بارها این موضوع از جانب کارگزاران و سیاستمداران مطرح شده که کشور

محدثه رضائی، تحلیلگر مسائل عراق در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

السودانی شانس خود را برای نخست‌وزیری کم کرد

پنجشنبه ۱۳ آذر کمیته‌ای که در عراق با نام «مسدودسازی وجوه تروریستی» آن را می‌شناسند و در عمل زیرنظر دستورات دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا فعالیت می‌کند، نام حزب‌الله لبنان و جنبش انصارالله یمن را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد. پس از موج گسترده خشم و اعتراض مردم در شبکه‌های اجتماعی عراق و واکنش تند مقامات سیاسی این کشور، کمیته یادشده که وابسته به وزارت دادگستری عراق است، اعلام کرد در این موضوع «اشتباهی رخ داده است. « چند ساعت پس از انتشار این خبر و در پی واکنش شدید افکار عمومی عراق هیئت‌دولت این کشور با صدور بیانیه‌ای رسماً این تصمیم را ملغی کرد. به بهانه جنگال مصوبه اخیر دولت عراق و حواشی‌ای که به پس‌گرفتن آن توسط دولت عراق منجر شد با محدثه رضائی، کارشناس مسائل عراق به گفت‌وگو پرداختیم و برخی از مهم‌ترین موضوعات روز عراق، یعنی شانس السودانی برای پیروزی در انتخابات، انتقال خانواده‌های داعشی از اردوگاه الهول به عراق و گزارش‌های متعدد از فشارهای سنگین آمریکا بر بغداد برای مهار گروه‌های مقاومت در صورت تنش جدید با لبنان را بررسی کرده‌ایم. وی معتقد است: «با توجه به ظواهر و اوضاعی که به وجود آمده به‌خصوص بعد از ماجرای کاندیداکردن ترامپ برای صلح نوپل و همچنین مصوبه فعلی ضد گروه‌های مقاومت، شانس السودانی خیلی کم است. « باید دید آمریکا برای حمایت از السودانی در رقابت نخست‌وزیری فشار سیاسی بیشتری به عراق وارد خواهد آورد یا اینکه چهارچوب هماهنگی شیعیان خواهد توانست با مهار فشارهای خارجی، السودانی را کنار بزند.

■ ■ ■

وضعیت انتخاب نخست‌وزیر عراق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

السودانی تا چه اندازه امکان پیروزی دارد؟

السودانی قبل از انتخابات کاری کرد که در عرف الاطار التسیقی یا همان چهارچوب هماهنگی شیعیان نبود. او انتقال بزرگ‌تری تشکیل داد و در لبه چهارچوب هماهنگی در حرکت بود. این کار سنت‌شکنی بود و باعث شکل‌گیری ائتلافی هم برای السودانی شد؛ اما در ادامه دیدیم که این ائتلاف از بخت بزرگی برخوردار نبود و زیر ۵۰ کرسی‌ی را به دست آورد. همین باعث شد السودانی بیشتر در چهارچوب الاطار قرار گرفته و از موضع سابق خودش کناره‌گیری کند. در حال حاضر گزینه‌های مختلفی در الاطار مطرح است. شانس تمدید نخست‌وزیری السودانی پایین بوده و گزینه‌های دیگری مطرح است.

اقداماتی همچون مصوبه اخیر دولت عراق مبنی بر تروریست شناختن حزب‌الله و انصارالله به نظر عامانده و با هدف جلب رضایت آمریکا صورت می‌گیرد؛ اما السودانی با چنین اقداماتی روی لبه تیغ راه می‌رود؛ چراکه ممکن است حمایت جریانات شیعی را از دست بدهد. آیا اقدام اخیر باعث کاهش شانس السودانی خواهد شد؟

با اخبار اخیری که در مورد مصوبه ضد انصارالله و حزب‌الله منتشر شد، کاملاً موضوع تمدید نخست‌وزیری السودانی منتفی می‌شود. حلقه‌های زیادی هم از حامیان السودانی در رسانه‌ها از وی فاصله‌گیری کرده و مرزبندی داشتند. بنابراین احتمالش ضعیف است که او مجدداً نخست‌وزیر شود. کاملاً واضح است که این مصوبه تصویب شده علیه حزب‌الله و انصارالله کاملاً

در شرایط حساسی قرار دارد و نیاز دارد برای حل چالش‌ها و مشکلات موجود، تا جای ممکن از دعوا، اختلاف‌افکنی و رفتارهای سیاست‌زده پرهیز کرده و روی حل چالش‌ها و مشکلات کشور تمرکز کند. طبیعتاً در این مسیر کارگزاران سیاسی تلاش می‌کنند از کم هزینه‌ترین راه ممکن برای حل چالش‌ها و مشکلات موجود در کشور استفاده کنند تا به جای حاشیه‌سازی حل چالش‌ها در اولویت قرار بگیرد. اما اظهاراتی که در رسانه‌ها از جانب برخی چهره‌های نزدیک به دولت مطرح می‌شود، درست عکس این رویکرد عمل می‌کند. برداشت این است که بخشی از این رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی نه تنها شرایط حساس فعلی را درک نکردند که تمعداً برای ایجاد اختلاف و شکاف میان دولت و مجلس

دست به فضاسازی رسانه‌ای می‌زنند. پیش از این نیز مشابه این ادعا در ماه‌های ابتدایی شروع به کار دولت مطرح شده بود. در واقعیت هر زمان که مجلس برای انجام اقدامات نظارتی وارد می‌شد و طرح پرسشی از دولت و عملکردش داشت یا یک «چرا» وسط می‌آورد، برخی از این رسانه‌ها با تیتـر «پشت پا و لگد به وفاق» به این عملکرد، هجـمه وارد می‌کردند. این قبیل ادعاها جدا از آنکه همکاری ایجاد شده میان مجلس و دولت را به مرور کمتر می‌کنند، به زیان دولت نیز عمل می‌کنند؛ چراکه در موقعیت فعلی، دولت نیاز دارد به‌دور از هجـمه‌ها و حاشیه‌سازی‌ها به مدیریت چالش‌ها بپردازد و ایجاد این شبانه که مجلس به دنبال حذف دولت و یا روی کار آوردن گزینه‌های خود است، آرامش و تمرکز لازم را از دولت می‌گیرد و به جای آنکه تمرکز بر مدیریت و اداره امور باشد، به مسائل حاشیه‌ای صرف اوق داده می‌شود. این موضوع صرفاً منحصر به شرایط فعلی و وضعیت حساس کشور نیست. طرح این موضوع که برخی به دنبال حذف دولت هستند در هر موقعیتی می‌تواند فضای سیاسی کشور را ملتهب کند و دولتمردان را نگران کند و در وهله بعدی باب حاشیه‌سازی و حملات بی‌مسورد را فراهم کند. اگرچه در چند وقت اخیر، مشابه این ادعاها و اظهارات فاقد استدلال در فضای رسانه‌ای طرح شده است؛ اما منتقدان به این گزاره توجه نمی‌کنند که عواقب طرح کردن چنین شبههاتی بیش از آنکه برای مجلس هزینه‌ساز باشد به چالش‌های دولت اضافه می‌کند. نمی‌توان مجسوز انحصاری برای یک جریان خاص دولت صادر کرد که هر زمان انتظاراتشان برآورده نشد و یا به تلقی خودشان کار دشوار شد، اعمال فشار علیه دولت را شروع و لزوم استعفای دولت را مطرح کنند؛ اما با هیاهو، مجلس و دیگر کارگزاران را محکوم کنند که آن‌ها به دنبال ضعیف کردن دولت هستند، برخی از این چهره‌ها با ادعای دوستی با دولت این اظهارات را مطرح می‌کنند، اما در واقعیت علیه دولت و در نگاهی کلان‌تر به زیان کشور عمل می‌کنند و این شبانه را تقویت می‌کند که آن‌ها بیش از آنکه نگران دولت باشند، نگران از دست دادن سهم‌ها و منافع خود هستند. دوستی‌های خاله خرسه با دولت، آن را گرفتار بحران‌ها و چالش‌هایی می‌کند که خودی‌های دولت تیرایش ساخته‌اند.

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

اینکه در میان این خانواده‌هایی که منتقل شده‌اند، افرادی باشند که قبلاً با داعش همکاری داشته‌اند یا هنوز تفکرات افراطی دارند، اطلاعات دقیقی نداریم. هیچ اطلاعات موثق و دقیقی در دست نیست که بتوانیم بگوییم حتماً چنین افرادی بودند یا نبوده‌اند. باید صبر کنیم و ببینیم چه داده‌ها و گزارش‌های مستندی در آینده منتشر می‌شود تا بعد بتوانیم در باره‌اش قضاوت و صحبت کنیم؛ بنابراین الان نمی‌شود به‌طور قطعی چیزی گفت. در مورد اینکه آیا داعش قدرت احیا در عراق را دارد یا نه، تجربه تاریخی نشان داده هر زمان داعشی‌ها سر بلند کرده‌اند، اتفاقاً وزن گروه‌های مقاومت و حشدالشعبی و گروه‌های مردمی خیلی بالا رفته و انسجام ملی در عراق بیشتر شده است. مگر اینکه مسائل و خیزش‌های قبیله‌ای دوباره به وجود بیاید که آن هم با توجه به نتایج انتخابات اخیر عراق و کم‌وزن شدن نقش عشایر و رؤسای قبایل هم در مناطق شیعه‌نشین و هم به‌ویژه در مناطق سنی‌نشین این احتمال هم خیلی متزلزل به نظر می‌رسد و نمی‌شود زیاد روی آن حساب باز کرد.

در چند هفته اخیر اخباری منتشر شد مبنی بر آن که آمریکا به دولت عراق هشدار داده در صورت بروز هرگونه تنش بین رژیم صهیونیستی و حزب‌الله مانع از هرگونه کنش نیروهای مقاومت شود. ظرفیت گروه‌های مقاومت برای بروز هرگونه کنش برون مرزی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فشار از جانب طرف آمریکایی وجود دارد. ما برای اولین‌بار دیدیم که تام باراک به بغداد می‌آید و ۷۰ دقیقه فقط با آقای السـودانی صحبت می‌کند تا او را اقع کند که عراق و گروه‌های مقاومت تحت نفوذش به‌هیچ‌وجه در صورت هرگونه حمله یا ترسافی در لبنان علیه حزب‌الله نخواهد کنش و واکنشی نشان ندهند. بنابراین این توان نتیجه گرفت قطعاً این ظرفیت در گروه‌های مقاومت عراق وجود دارد که بتوانند عملیات‌های برون مرزی هم انجام دهند؛ همان‌طور که دیدیم عملیات‌های پهبادی که در حمایت از ۷ اکتبر به سمت سرزمین‌های اشغالی انجام شد. دقیقاً به همین دلیل است که آمریکایی‌ها این قدر نگرانند و نماینده ویژه خودشان تام باراک را می‌فرستند بـه بغداد و این قدر تأکید دارند که این اتفاق به‌هیچ‌وجه نباید بیفتد و دولت عراق و گروه‌های مقاومت هیچ اقدامی علیه هرگونه عملیات اسرائیل در لبنان انجام ندهند.

در صورت افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی احتمالی از جانب آمریکا گروه‌های مقاومت تا چه اندازه واجد هویت و امکانات مستقل برای تن‌دادن به فشار خارجی هستند؟

دولت فعلی هنوز دولت پیشبرد امور است و دولت بعدی هم هنوز تشکیل نشده، ولی فشارها همین‌الان هم وجود دارد. همه چیز بستگی دارد به یک‌سری روندها باید دید فشارهای آمریکا دقیقاً تا چه حد افزایش پیدا کنند. کدام گزینه و با کدام ترکیب به‌عنوان نخست‌وزیر و دولت جدید انتخاب شود و گروه‌های مقاومت و چهارچوب هماهنگی تا چه حد بتوانند در مقابل این فشارها بایستند، موضع خنثی بگیرند یا کوتاه بایاند. فعلاً باید صبر کنیم و ببینیم روندها به کدام سمت می‌رود؛ اما در حال حاضر فشار آمریکا قطعاً وجود دارد و اگر شرایط منطقه بحرانی‌تر شود چه‌بسا این فشارها خیلی شدیدتر هم بشود آنجا مشخص خواهد شد که نتیجه نهایی چه می‌شود.

سرنوشت اسرائیل در دگترین دونرو



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

انتشار سند امنیت ملی جدید آمریکا در روز جمعه باعث شده بحث‌هایی درباره مفاد آن در محافل تحقیقاتی و رسانه‌ها درگیرد. در این سند اشاره شده که نیم‌قرن گذشته، خاور میانه اولویت اصلی آمریکا بوده؛ امـسا این منطقه از اولویت اول خارج خواهد شد. براین اساس قرار است منطقه آسیا–پاسفیک به اصلی‌ترین حوزه جغرافیایی تمرکز آمریکا تبدیل شود. از نگاه ایران که به تازگی جنگی ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی و آمریکا داشته، این سند از جنبه تغییراتی که در موازنه قوا ایجاد می‌کند، اهمیت دارد.

نکات

کاهش تمرکز آمریکا بر غرب آسیا به چه نحوی است؟ آیا از نظر امنیتی این مسئله به معنای خروج یا تغییر شکل حضور است؟ نوع رفتار آمریکا با رژیم صهیونیستی و نوع رفتار این رژیم پس از این تحول چگونه خواهد بود؟ این موارد سـؤالات مهمی هستند که باید به آن‌ها پاسخ داده شود.

سندهای امنیت ملی در آمریکا موارد بسیار مهمی هستند که توسط نهادهای حرفه‌ای و ریشه‌دار تهیه می‌شوند. با این حال اگر مخالفان آن قدرتمند باشند، قادر خواهند بود بخشی از مفاد آن را خنثی کنند. احتمال لابی صهیونیستی با استفاده از نفوذ خود در کنگره و رسانه‌ها، دست به مدیریت برخی امور در این زمینه بزند. اگرچه تفسیر رخ داده؛ اما دامنه آن قابل مدیریت است. به عنوان مثال اگر قرار است تعداد سربازان و تجهیزات آمریکا در غرب آسیا کاهش یابند، لابی صهیونیستی می‌تواند با فشارها، از میزان کاهش‌ها بکاهد. هدف دیگر جلب حمایت‌های بیشتر به بهانه ترمیم کاهش توجه آمریکا به منطقه خواهد بود تا بدین وسیله تل‌آویو به سلاح‌های بیشتر و مهلک‌تری مجهز گردد.

۲ افزایش تحركات رژیم صهیونیستی در مقطع کنونی چند پیشران دارد. نباید از یاد برد که گرچه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نقطه‌عطفی در دگرگیری‌هاست؛ اما این عملیات، اقدامی پیش‌دستانه در برابر عملیات آتی صهیونیست‌ها بود که امکان داشت طی ماه‌های بعد اجرایی شود. اصلی‌ترین پیشران تحركات «وضعیت رژیم» است. با تغییر تمرکز آمریکا از غرب آسیا به شرق این قاره، رژیم احساس می‌کند خلأیی شکل گرفته است و این فضا توسط قدرت‌های منطقه‌ای و به ویژه ایران پر می‌شود؛ درنتیجه تل‌آویو برای پرکردن خلأ شکل گرفته قصد داد خود جایگزین واشنگتن کرد.

پیشران دوم، تصمیمات آمریکاست که با کاهش تمرکز بر غرب آسیا، سعی می‌کند برون‌سپاری کرده و از طریق رژیم صهیونیستی فعالیت کند. ازاین‌رو به‌جای فعالیت مستقیم آمریکا و راه‌اندازی جنگ‌هایی مانند جنگ اول و دوم خلیج فارس، اشغال افغانستان، جنگ در سوریه و لیبی، این رژیم صهیونیستی خواهد بود که نبض عملیات را در گستره منطقه در دست می‌گیرد. این قضیه پیشران سومی نیز داشت که پس از ۷ اکتبر از بین رفت و در قالب طرح صلح ابراهیم بگیری می‌شد. طبق این طرح قرار بود با کاهش تعهدات آمریکا به غرب آسیا، دولت‌های این منطقه زیرچتر حمایتی رژیم صهیونیستی قرار گرفته و تل‌آویو از آن‌ها در برابر تهران حفاظت کند. این قضیه اما پس از ۷ اکتبر و سپس واقعه مهم بمباران دوحه، پایتخت قطر با تحول روبه‌رو شد.

بـرای فهم این تحول اظهارات «ترکی الفیصل» دیپلمات سابق عربستانی و رئیس پیشین سـلـازمان اطلاعات این کشور اهمیت دارد که در اجلاس خاورمیانه و آفریقای مؤسسه میلکن اعلام کرد این رژیم صهیونیستی است که تهدید بزرگی برای ثبات منطقه به شـمار می‌رود، نه ایران. منطق طرح صلح ابراهیم که قرار بود طبق آن ناتویي منطقه‌ای شکل گیرد، کرده‌م آمدن کشورها زیر چتر حمایت نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی برای مقابله با ایران بود؛ اما زمانی که ادراک کشورها تغییر کرده و آن‌ها نگران اقدامات تهاجمی تل‌آویو علیه خود هستند، دیگر این منطق کار نمی‌کند.

پیشران سوم، از بین رفته است؛ اما احتمال دارد پیشران دوم هم با مشکل مواجه شود. با وقایع ۷ اکتبر و دیگر دگریری‌ها، آمریکا درافتـه رژیم صهیونیستی گرچه همانند گذشته سکوی خوبی برای حملات به منطقه است؛ اما بدون واشنگتن قادر به حفظ امنیت خود نیست. پس اگر دولتی بدون حمایت مستقیم و عظیم آمریکا قادر به حفظ امنیت و موجودیت خود نباشد، چگونه می‌تواند با خروج آمریکا، بخشی از خلأ را پر کند؟ آمریکایی‌ها امروز دست‌کم به‌طور مستقیم در دو نقطه در سرزمین‌های اشغالی مستقر شده‌اند که در طول تاریخ رژیم صهیونیستی بی‌سابقه بوده است. در اتفاق اول، فرماندهان آمریکایی در مقر فرماندهی شمالی ارتش رژیم صهیونیستی در شهر صفد مستقر شدند تا بر عملیات‌ها در لبنان نظارت کنند. در اتفاق دوم، یگان‌های نظامی آمریکایی در پایگاه کریات گات در نزدیکی غزه مستقر شدند تا بر تحولات این منطقه پس از آتش‌پس نظارت داشته باشند. اگر در صفد، فقط فر ماندهان مستقر شدند، در کریات گات سربازان و نیروهای عملیاتی نیز حضور دارند.

۳ اگر آمریکا تعهدات خود در منطقه را کاهش دهد، رژیم صهیونیستی برای حفظ امنیت خود و ادامه مأموریت‌های جدید، باید توانمندی‌های بیشتری به دست آورد. ازاین‌رو احتمالاً شاهد تحولی در حجم و نوع تسلیحات متعارف اهدایی به رژیم صهیونیستی خواهیم بود.

۴ به نظر می‌رسد که منطقه همانا چیزی است که پیش‌بینی برای سیطره بر منطقه همانا چیزی است که پیش‌بینی می‌شد؛ غیرقابل اعتماد بودن برای دولت‌های منطقه و شیشه‌ای بودن خانه آن. حملات رژیم صهیونیستی به کشورهای منطقه در مدت اخیر که طی آن منافع ۸ کشور مورد تجاوز قرار گرفته، به دولت‌ها اثبات کرد رژیم قابل اعتماد نیست. عملیات ۷ اکتبر، موشک‌باران سراسری شمال تا مرکز توسط مقاومت لبنان، حملات موشکی یمن و موشک‌باران سرزمین‌های اشغالی توسط ایران طی جنگ ۱۲ روزه نشان داد تل‌آویو بسیار آسیب‌پذیر است.

۵ غرب آسیا از اولویت آمریکا خارج می‌شود؛ اما خبری از خروج نخواهد بود. این دو مسئله نباید با یکدیگر اشتباه گرفته شوند. سنـتکام با برنامه‌های مختلف و توطئه‌های گوناگون نخواهد گذاشت منابع و توجه واشنگتن به فرماندهی‌های دیگر آمریکا منتقل شود.